

TITANS

درست نگاه
کن فلش، زنی که
دوست داری قراره جلوی
چشمت ناپدید بشه!

لیتندا!

ABNETT
BOOTH
RAPMUND
DALHOUSE



DC UNIVERSE
REBIRTH

4

ABNETT
BOOTH
RAPMUND
DALHOUSE

TITANS



هه ، هه
هه ، هه ، هه
هه !

اون ديگه رفته
آقای وست!
پوفه!

لیندا پایک
ارز شمندت جلوی
چشمات غیب شد!

ولی به اندازه کافی
سریع نیستم.

کدبرا همین الان
زنی رو که دوستش
دارم غیب کرد.

**THE RETURN OF
WALLY
WEST**

**PART
FOUR**

NOW YOU SEE HER...

dan abnett : writer / **brett booth** : penciller / **norm rapmund** : inker
andrew dalhouse : colorist / **carlos m. mangual** : letterer
booth, rapmund and dalhouse : cover artists / **mike choi** : variant cover artist
brittany holzherr : assistant editor / **alex antone** : editor / **marie javins** : group editor

اون جادوگر تکنولوژیک
جلوی چشم من اونو
غیب کرد و من نتونستم
متوقفش کنم.

کدبرا...!

اوووخ!
من این بالام...

POP!

POPP!

...و حالا
اینجا ام.

لعنتی!

دور من حلقه میندازه.

کل سرعت دنیا دست منه و
اون باعث می شه من کند
به نظر برسم.

POPP!

POP!

این انتقام تمام دفعاتیه
که تو گذشته شکستش
دادم.

POPP!

اوه والاس، تو
باید سریع تر از
این باشی.

COME
ON!

POP!

این انتقامه... و هی داره
ادامه می ده تا شکنجه ام بده.

POPP!

می خواهی
برگرده؟

بیا به
بازی
بکنیم!

یه بخش
از نمایش های
قدیمی وودویل قدیمیه
که بهش می گن... "بانو
رو پیدا کن!"

کدیر لا

POPP!

یه ساعت
وقت داری
فلش!

اووو خخخ!

هیچوقت نباید
برمی گشتم.

می خواستم زندگی
قبلیمو بدست بیارم.

ولی الان دارم زندگی بقیه
رو نابود می کنم.

کدیرا بخاطر
من داره به
همه حمله
می کنه.

باید همونطور
گمشده می موندم.

POP!

چای، استاد؟

ممنون
پسرک خدمتکار.

امشب قراره
شب بزرگی
باشه!

SLURPPP!

یه نمایش
دیدنی و مهیج
که بلیطهای سریع
به فروش می ره...

چه
اتفاقی
داره
می افته؟!

مراقب زبونت
باش خانم پارکر!

اوه،
عروسک های
تایتان
کوچولو...

...اصلاً
آبرومندانه
نیست.

خیلی بهتر شد.

ZWNIPPP

آآآ؟ شوخیت گرفته؟

لطفاً شاگردای منو ببخشید.

اونها فقط خدمتکارهای احضار شده اند و نکته سنجی آدم های واقعی رو ندارند.

من کدبرا هستم خانم پارک بزرگترین جادوگر در...

تو یه دیوونه هستی!

...اهم. بزرگترین جادوگر در کل جهان.

تمام دنیاها.

یکیشو نام ببر.

از جون من چی می خواهی؟

آشغال...

خیلی جیغ می کنی. بدترش می کنی.

از جون تو؟

تقریباً هیچی. تو برام جالب نیستی. هیچکس نیستی...

اینو ببر.

WHHPPPP

ممنون.

نه، خانم پارک، تو برای من مفید هستی.

تو هر حقه نمایشی یه آدم پخمه داریم، یه فریب خورده و یه سرباز بیهوش.

که البته خودتی.

...چی؟

نقش تو
اینجا به وسیله است.
به مکانیزم صحنه نمایش
که با اون حقه خودمو
عملی می کنم.

بزرگترین
حقه خودم.

حقه ای که
منو به مشهورترین
فرد در تاریخ همه چیز
تبدیل می کنه.

CLAP
CLAP
CLAP

خیلی مهربون!
خیلی مهربون!

چیکار
می خواهی
بکنی؟

این اون
خبرنگار کله شقه
که می پرسه...

...یا به
زندونی بدبختی که
منتظر مرگیه که داره
پیش نزدیک می شه؟

من...

هر دو.

دقیق ترش
اینه که می خوام از
تو استفاده کنم و والی
وست رو نابود کنم و
انتقامم رو ازش
بگیرم.

نمی دارم
دیگه درخشان تر
از من بدرخشه.

براوو!

استادا!

CLAP CLAP

CLAP

CLAP
CLAP

میخوام ازت
استفاده کنم تا
تایتان ها رو نابود
کنم.

نابود...؟

لیلیث،
عروسک عروسک ها؟
تایتان ها الان کجان؟

مممم...
فیزیکی؟ درست
مرکز کیستون
استادا.

به جهت ذهنی...؟

«...کاملاً گم شدند.»

مرکز شهر
کیستون.

قدیمی ترین و بهترین
دوستان من جمع شدند تا
کمکم کنند. چیکار می تونند
بکنند؟

من فقط اونها رو به
خطر میندازم.

اونو برد!
درست جلوی چشمم
اونو دزدید!

پاپه!
خدا حافظ!

خدای من!
همه اش تقصیر
منه...

...از من
ابرقهرمان
درنمیداد.

بهشون نگاه کنید.
همشون دارن تارومار
می شن. اونها دنبال دردرس
نمی گردند. من دردرس.

آروم
باش والی...

آروم
نمی گیرم!

باشه!

اولاً...
والی، دوستت
دارم، ولی باید
آرم بگیری.

درسته،
ولی اذیتش
می کنه...

به همین
دلیل باید پیداش
کنیم.

ثانیاً...

...این تقصیر
تو نیست. ما رو به
بازی گرفتند.

لیلیث، تو
یه تایتانی. همیشه
بودی و خواهی
بود.

درسته.
ممنونم دیک.

دیگه نمی خوام
راجع به این تردید
چیزی بشنوم.

خدا دیکه گریسون
رو حفظ کنه.

فقط شنیدن حرف های
اون بهم امید می ده.

می دونم که
ترسیدید، ولی باید
ارتباط ذهنی تو با
کدبرا نیاز داریم.

یه بار
تونستی بهش
برسی...می تونی
بازم بهش برسی؟

اونو پیداش
کنیم، لیندا
رو پیدا
کردیم.

من...
می تونم این
کارو بکنم...برای
لیندا و والی.

امیدهای من دوباره
نقش بر آب شده.

عجیبه.
رد ذهنی اون
رو از سه منبع متفاوت
دریافت می کنم.

کدبرا داره
محل خودشو پنهان
می کنه. باید در یه لحظه
به همشون حمله کنیم تا
بتونیم پیداش
کنیم.

یعنی،
جدا بشیم؟
یه جوری
می گه انگار
نمی خواد اینطور
بشه.

شکی نیست،
ولی احتمال داره
لیندا ظرف کمتر از سی
دقیقه بمیره.

حتی اگه جدا
باشیم هم با همیم.
ما با هم دوستیم.

و همیشه
راهمونو به سمت
همدیگه پیدا
می کنیم.

درسته
دانا.

اولش فکر می کردم که...
لیاقت همچین دوستهایی
رو ندارم. بعد فکر کردم...

...من هم اگه بودم
همین کارو براشون
می کردم.

زندگی لیندا پارک در
خطر. ممکنه دنیا به
خطر بیفته.

و والی به
ما نیاز داره.

همین کافیه.

سه جفت.
لیلیث، اون سه
محل رو برای ذهن
ما ترسیم کن.

براتون
می فرستم.

تایجان ها
به پیش



اونا دارن
به حرکت می افتن
استاد.

البته که
حرکت می کنند
لیلیث.

دارم قدرت هر
کدوم از شما رو دوبرابر
می کنم. شما پیشتر از
کپی نسخه های قبلی
خودتون هستید.

برید.
همه می دونید
چیکار باید
بکنید.

تو دیوونه ای.

POPP!

POPP!

POPP!

POPP!

POPP!

POPP!

نه، من از
آینده ام.

کنترل من
روی دنیای شما
به نظرت جنون آمیز
میاد.

آینده...؟

آره. آینده ای
دور. من همه اینجا
رو دیدم. می دونم نتیجه
چطور قراره بشه.

مثلاً
می دونم که یه
روز ووالی وست برای
هدفی خوب منو متوقف
خواهد کرد.

یه روز
چنان منو شکست
می ده که نابود
می شم.

و این
غیر قابل قبوله.

ولی چیز
دوست داشتنی در
مورد آینده اینه که
می شه تغییرش
داد...

”...و جلوی والی
وست رو بگیرم
قبل از اینکه اون
این کارو بکنه.”

ورزشگاه دبیرستان ویلسون
کیستون سیتی.

مکان ا.

کدبرا کجاست؟

درست در نمپاد.
یه چیزی اشتباهه.

اووووه...
فلش؟ الان باید
پیاده بشم.

واقعاً یه
ماشین لازم داریم.
باید ببینیم نایت وینگ
می تونه یه بتموبیل
دست دوم جور
کنه یا نه...

هیچی
نمی تونم
ببینم.

می شه حلش
کرد...

FTTTUMMMFFFE!

سلام.

چی باعث
شد دیر برسید
بچه ها؟

دو تا از نسخه های تقلبی
که قبلاً دیده بودیم.

خیلی سریع حرکت می کنند.
بلافاصله فهمیدم که کدبرا قدرتشونو
افزایش داده.

لیندا
کجاست؟

قدرتشان زیاد
شده.

منو برای
چی لازم
داری؟

چون تو
برای والی
وست مهمی.

اشتباه
می کنی کدبرا.
من این مردو
اصلاً نمی شناسم.

دقیقاً.



والاس تو جریان
زمان گم شده. اون واقعیت های
دیگه رو هم دیده. تو یکی
از اونها شما دو تا عاشق
هم بودید.

همین در گیرش
کرده.

پس این
حافظه غلطه. یه خاطره
غلط؟

برای تو این
اتفاق هرگز نیفتاده.

برای اون
کاملا واقعیه.

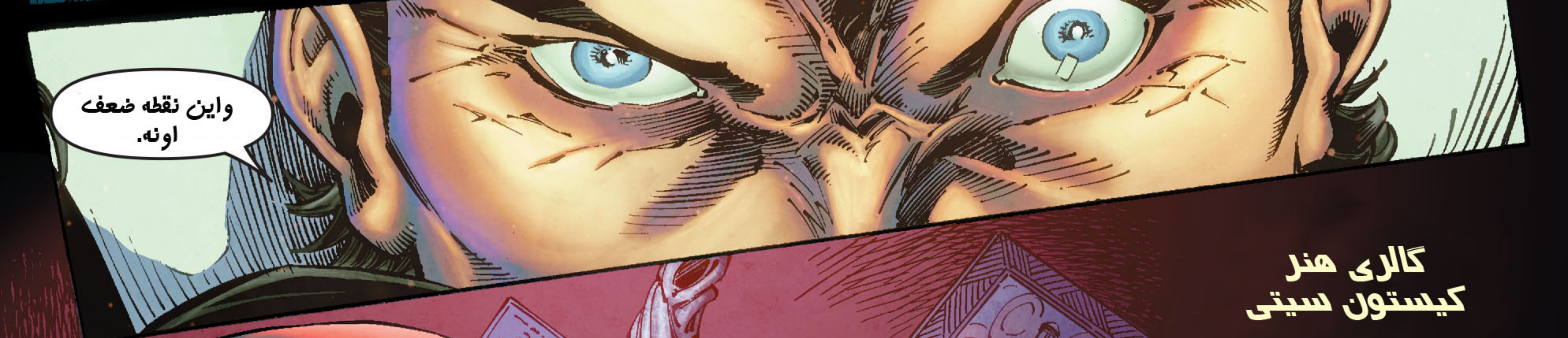


حقه اصلی
همینه،
می بینی؟

NO.

ممکنه یه روزی
پیش بیاد که تو این
واقعیت شما
جدایی ناپذیر باشید.

ولی امروز
برای تو معنی
زیادی نداره، شاید
برات هیچی
نباشه.



واین نقطه ضعف
اونه.

گالری هنر کیستون لستی



آقایون، ما در
موقعیت دوم
هستیم.

مواظب باشید.
شاید این...

GNNHHKK!

تمپست!

بگیرش.

درسته.

اوه نه!

گارت!
پاشو...!

منفعا!

به عنوان
سرباز وظیفه
خیلی سریعی.

این انفجار
ذهنی رو تجربه
کن و ببین بازم همون
حس رو داری یا نه.

NYAAAGHHH!

اووووه...
برات گرون
تموم می شه.

FTAAAFF

اومن؟

فلش؟

جواب بدیدا!

ما تو
موقعیت سوم هستیم،
و با دو تا از همسان های
کدبرا روبرو شدیم!

هیچکس
جواب نمی ده.
دستشون بنده.

دلتون
برام تنگ
شده!

GAHH!

می تونم
تمام حرکت هاتو
پیش بینی
کنم.

بیحرکت
بمون!

UNH!

SMACK

اینجوری؟

دانا...؟

SWOKK

نفه!

من خوبم.

باید از این
چیزی که فکر می کنند
سریع تر عمل کنم.

ننهههههههه!

خیلی
سریعی...

ازت رد
می شم.

و...
من از دفعه
قبل قوی تر
هستم.

نمی تونی سالم
در بری.

WHAMMM

GNNUGH!

نایت وینگ!

ببینم
چقدر قوی
هستی!

اگه اصرار
داری باشه.

دارن با ما بازی می کنند.

این یه بازیه.

تلاش کن پیرمرد!

PAFF

نایت وینگ باید تو تمرین های تن به تن از بقیه اعضا قویتر باشه.

همم.

با قدرتی که الان دارند می توند بین ببرنمون.

تو اصلاً پسر شگفت انگیز نیستی.

NHHH!

KRAK

این بازی دیگه شورش دراومده. این پسر فلش جادویی خیلی سریعه...

آرسنال!

WHAAMM

NGHHK!

...ولی من داخل
نیروی سرعت
بودم.

دوستت قراره
اینجا بمیره.

GNNGG!

می تونی
متوقفم کنی؟

به اندازه
کافی سریع
هستی؟

نمی تونی
درک کن تا
چه حد...

وقتی والی
وست سرعتش پیش
از حد زیاد می شه، کنترلش
رو از دست می ده.

همه فلش ها
همینطورند.

تو بینهایت
محو می شن. فراتر از
سرعن نور.

و هرگز
برنمی گردند.

ناپدید می شن
پوووف!

اما والی
قبلاً از این مسئله
جون سالم به در برده.

چون اون اینجا
به کسی علاقه داره
که وابسته اش
کرده...

مثل...
میله برقگیر عمل
می کنه...

منظورت
منم؟

درسته!

ولی...
تو دوستش نداری.
پس دیگه برقگیر اون
نیستی.

پس فکر
می کنی چه اتفاقی
می افته...

...حالا اگه پیش از
حد سریع حرکت
کنه؟

ننگه!
هر وقت خواستی
وال!

زود باش
فلش موقت...

بذار...
ببینیم چقدر
سریع هستی.

FTZZZ

JACK + SALLY

قبل از اینکه
تظاهر کنی والاس...

کدبر!!
کجا...

...بذار چند تا
موقعیت رو نشونت
بدم.

POP!

اینجا...
قراره شمشیر
رابین دست آموز قراره
کلوی دوستت
رو ببره.

چه خونی
بریزیم استاد! ها ها ها!

NNHHH!

یا این یکی...

...دو تا دیگه از دوستانت، قراره با ارتباط ذهنی مخصوص دهنشون کباب بشه.

MNNGGHHH!

خدای من! دیگه! دانا!

لعنت به تو!

یا این.

من دقیقاً نمی دونم عروسک سریع چه مرگی برای دوستهای دیگه ات تدارک دیده، ولی به نظرم تیز و برنده خواهد بود.

نه! صبر کن!

لیندا...

یا این.

کدبرا دیوانه
است، ولی من
متوقفش می کنم...

...جادوی تکنولوژیک
اون سریعتر از تفکره.

برای اینکه
جالب تر بشه یه
جادوی دیگه پیاده
کردم.

پووف!

پسر و دختر
شگفت انگیز الان تو
کست سیتی هستند.

اون طرفی که اهل
آتلنتیسه و اون که توان
ذهنی بالایی داره الان تو
متروپلیس هستند.

و عشق
زندگیت تو گاتهامه.

اگه بخواهی به
همشون سر بزنی
یه مسافت ۷ هزار مایلی
در پیش داری.

تو خیلی
خیلی سریعی آقای
وست.

ولی حتی تو
هم نمی تونی نجاتشون
بدی.

حقه این
بازی اینه... تو
انتخاب کن.

کی زنده
بمونه و کی
بمیره.

تو
دیوانه...

...همشونو
نجات می دم.

باید سریعتر باشم.

سریعتر از چیزی که
تا حالا بودم.

دوست دارم
ببینم چطور تلاش
می کنی.

ولی وقت
داره می گذره.

و...
متأسفانه داره
وقتت تموم
می شه.

حتی اگه
کشته بشم.

قسمت بعد: دویدن برای نجات آنها!



DC UNIVERSE
REBIRTH

4

ABNETT
BOOTH
RAPMUND
DALHOUSE

TITANS



دورنام

dorname.ir

مرجع کمیک های فارسی

RATED T TEEN DCCOMICS.COM DEC 2016

